فهرست

[اشاره 2](#_Toc100884819)

[عوامل تشدید کننده عقاب گناه 3](#_Toc100884820)

[عامل اول: استصغار 3](#_Toc100884821)

[اهمیت مسئله 4](#_Toc100884822)

[سفارش مهم به طلاب 4](#_Toc100884823)

[بررسی نکات تکمیلی 5](#_Toc100884824)

[توجیهات کوچک شمردن گناه 6](#_Toc100884825)

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

**الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینّا و حبیب قلوبنا و طبیب نفوسنا و شفیع ذنوبنا ابی القاسم محمد و علی آله الاطیبین سیمّا بقیة الله فی الارضین**

ربنا علیک توکلنا و الیک أنبنا و إلیک المصیر

میلاد خجسته امام مجتبی صلوات الله و سلامه علیه را تبریک و تهنیت عرض می‌کنم و از خداوند متعال می‌خواهیم که همه ما را به درک فیوضات و حقایق بلند و حقیقت لیلة القدر موفق و مؤید بدارد.

# اشاره

دیروز گفتیم یک موضوع کلان و بسیار مهم در باب گناه در روایات مطرح شده است و شاید بتوان گفت ده‌ها و بلکه صدها روایت در ارتباط با این موضوع بسیار مهم در منابع و مصادر روایی ما وارد شده است.

آن موضوع عبارت بود از عواملی که عذاب و عقاب بر گناهان را تشدید می‌کند دیروز مقدماتی را ذکر کردیم هم درباب گناه و تقسیمات گناه و هم درجات و مراتب گناه و از جمله تقسیم گناه به کبیره و صغیره و اختلاف فقهی که در این زمینه بود اشاره کردیم.

اما گفتیم در کنار همه این مسائل در روایات ما به این حقیقت اشاره شده است که یک سلسله عوامل وجود دارد که اگر این عوامل به گناهی ضمیمه شود عقاب آن گناه و عذاب بر آن گناه را مضاعف می‌کند فرض کنید صد گناه در سلسله گناهان و هر یک از آن‌ها در یک درجه و رتبه‌ای مد نظر قرار بدهید یکی اکبر کبائر است برخی جزء کبائر بسیار مهم است و بعضی متوسط و تا می‌رسد به گناهان کوچک و صغائر.

هر یک از این گناهان می‌تواند همراه با یک ضمیمه پیوست بشود و آثار مخرب و عذاب آن افزایش پیدا بکند.

اینها را عوامل تشدید کننده عقاب و عذاب و آثار مخرب گناه، یک داستان مفصلی در اینجا وجود دارد.

دیروز گفتیم برخی از کتابهای اخلاق و برخی از کتب مرحوم فیض کاشانی به این مسئله علی الاجمال اشاره شده است در فقه هم بر اصرار بر صغیره آشنا هستیم که گفته شده است که بنابر نظر مشهور اصرار بر صغیره موجب تبدیل صغیره به کبیره می‌شود.

اینها جسته و گریخته در کتب اخلاقی و بعضی از کتب تفسیری و معارفی آمده است.

گفتم که با یک مقدمات زیادی که در جاهای مختلف در باب روایات جمع شد و فیش برداری شد قریب بیست عامل هست که موجب افزایش عقاب بر هر گناه می‌شود که بعضی از اینها شبیه اصرار بر صغائر موجب تبدیل صغیره به کبیره و اگر در کبائر باشد کبیره را تشدید می‌کند، عذاب و عقاب آن را افزایش می‌دهد.

این بحث مقدماتی بود که دیروز گفتیم و این مسئله در خودسازی و تهذیب نفس، اصلاح درون، توجه به رفتارها بسیار مهم است یعنی هوشیار باشید که گناه از ما صادر می‌شود ضمن اینکه درجه عقاب معین اولی و طبیعی خود را دارد ممکن است با یک عوارض و حواشی و ضمائمی این درجه به درجه بالاتر بشود؛ این ده درجه گناه دارد أثر وضعی و اخروی دارد با انضمام این عامل درجه عقاب این بیست و سی می‌شود و احیاناً صغیره را تبدیل به کبیره می‌کند و رتبه گناه را از لحاظ آثار مخرب بالاتر می‌برد و طبعاً آثار آن گناه در درون و روح و روان تشدید می‌کند

اولین عامل از این بیست عاملی که شمردم احتقار و استصغار و کوچک شمردن گناه بود، اینکه این عامل را در صدر عوامل تشدید برای عقاب و عذاب گناهان قرار دادم این است که این عامل یک نقش زیر بنایی نسبت به خیلی از عوامل بعدی دارد یعنی بسیار از آلودگی‌های روحی انسان از این کوچک شمردن گناه شروع می‌شود با توجیهات انسان این گناهی که در معرض قرار گرفته است کوچک می‌کند این کوچک شمردن موجب می‌شود که به سمت ارتکاب آن عمل برود.

اگر این کوچک شمردن ضمیمه گناه ما شد بدانیم که ممکن است صغیره کبیره بشود و ممکن است کبیره‌ای از رتبه خود به رتبه‌های شدیدتر انتقال پیدا بکند. خیلی باید هوشیار بود.

همه عوامل بیست‌گانه از این قبیل است، مثلاً گناهی که از عالم صادر می‌شود، گناهی که از یک مسئول صادر می‌شود اینها همه پیوستهای گناهی است که عقاب را تشدید می‌کند.

# عوامل تشدید کننده عقاب گناه

## عامل اول: استصغار

اولین عامل کوچک شمردن گناه است

یک بار کسی دست به گناه می‌برد ولی همزمان آن را بزرگ می‌داند و آن را تعدی به حریم خدا می‌داند این یک جور است یک جور هم این است که گناه را انجام می‌دهد و می‌گوید این که چیزی نیست اهمیت ندارد این دو خیلی با هم فرق می‌کند

در قصه کربلا گناه حر با عمر سعد را ببینید، حر همان وقتی که گناه انجام می‌داد در اعماق وجود او یک نوری وجود داشت آن نور این بود که این گناه است و خطاست، این تعرض به ساحت مقدس ولی خداست، همراه با این کوچک شمردن نبود، این روزنه امید شد و منشأ نجات شد.

از آن طرف شمر و عمر سعد را ببینید اول کمی می‌لرزیدند و بعد چیزهایی در ذهنشان آمد و گناه را پایین آورد حالا به بهانه‌های مختلف.

اینکه سطح گناه را پایین بیاورید، انسان اهمیت گناه را کم بشمارد اولین عاملی است که موجب افزایش عقاب می‌شود ممکن است بگوییم این شبیه اصرار بر صغیره موجب تبدیل صغیره به کبیره می‌شود اینها در فقه بحث نشده است بعضی از عوامل در فقه صحبتی شده است بعضی تقریباً بحث نشده است در اخلاق هم کامل بحث نشده است. در حالی که اینها علاوه بر زوایای اخلاقی سؤالات فقهی هم داشته باشد. این نوزده عامل دیگر مثل اصرار بر صغائر موجب تبدیل صغیره به کبیره می‌شود یا خیر؟

تا آنجا که من به ذهن دارم راجع به اینها بحث نشده است، درباره اصرار در کتب فقهی بحث شده است از قرون گذشته هم مطرح بوده است

# اهمیت مسئله

تا آنجا که من جمع آوری کردم حدود چهل روایت مستقیم در این زمینه بود دیروز آدرس‌های آن‌ها را گفتم وسائل کتاب جهاد النفس، باب ۴۳، ذیل آن هم روایات مرحوم حاجی در مستدرک، حدود سی روایت در وسائل و مستدرک است هم اینها با تفاوتی در کتاب بحار الانوار در کتاب ایمان و کفر باب ۱۷۱ آمده است در کتب دیگر هم آمده است در میزان الحکمه بخشی از اینها آمده است.

استفساء بنده هم تام نیست در حدی که ۷ – ۸ تا از این منابع را مراجع کردم حدود ۴۰ روایت در اینجا وجود دارد، خود این ۴۰ روایتی که بعضی از آن‌ها روایت معتبر هست نشان می‌دهد که مسئله این قدر اهمیت دارد.

# سفارش مهم به طلاب

حاشیه‌ای هم اینجا خدمت همه بزرگواران که اساتید مکرم هستید عرض کنم و آن این کتاب جهاد النفس وسائل الشیعه است من همیشه به دوستان و طلبه‌ها عرض می‌کنم که دو سه باب در وسائل الشیعه هست اینها را کنار دست خود داشته باشید.

۱- اولین مورد مقدمات عبادات، جلد اول وسائل است خیلی روایات و مضامین مهم آنجا برای مسائل اخلاقی و روحی آمده است.

۲- جهاد النفس، کتاب جهاد، که بخشی از آن جهاد النفس است که دنیای از معارف اخلاقی و روحی و تربیتی و مربوط به تهذیب و تذکیه نفس در این ابواب جهاد النفس آمده است که این روایات ما در باب چهل و سوم آمده است

۳- کتاب العشره، که در کتاب حج آمده است

۴- ابواب فعل معروف است که در انتهای کتاب امر به معروف و نهی از منکر آمده است

این چهار بابی است که خیلی مرحوم حر عاملی خیلی قشنگ اینها را تنظیم کرده است و در خودسازی و تهذیب نفس و در آشنایی با معارف بلندی که ما را در مسیر سلوک الی الله یاری می‌رساند این چهار کتاب وسائل خیلی مهم است و اینها را باید در کنار دست داشت و همیشه با آن مانوس بود و حالا یک بخشی از اینها در جهاد النفس بود.

چهل روایت حداقل در باب استصغار الذنب آمده است تعابیر این چهل روایت ۵ – ۶ تعبیر است بعضی دارد استصغار الذنب، ذنب را صغیر تلقی بکنید، در بعضی استخفاف دارد، خفیف شمردن، کم اهمیت شمردن گناه، راهی است که ما را به سمت گناه سوق می‌دهد. و در بعضی تعبیر استحقار دارد که حقیر بشمارد، تعبیر چهارم استقلال و قلیل شمردن و تعبیر پنجم استسهال ذنب است و تعبیر ششم استهانه و تهوین است. شش تعبیر در این چهل روایت آمده است که مقوله کوچک شمردن گناه را مطرح کرده است و به شدت آن را نکوهش کرده است، بعضی از آن‌ها را دیروز گفتم که در غرر آمده و سایر منابعی که اشاره شد.

اعظم الذنوب، أشد الذنوب، من استخف به صاحبه، یا اعظم الذنوب، ذنب استهان به راکبه، و روایاتی که دیروز گفتم.

# بررسی نکات تکمیلی

اینجا در تکمیل این باب و این مسئله بسیار مهم اخلاقی که خیلی باید به آن توجه داشت یک نکات تکمیلی را بگویم.

۱- این کوچک شمردن یک فعل و انفعال روانشناختی است که نفس انسان برای اینکه خودش را آرام بکند در یک آلودگی معصیت به آن دست می‌زند. خیلی کم می‌شود کسی علی رغم وقوف کامل به گناه و توجه دقیق به اثار مخرب و زیان بار گناه، سراغ گناه برود، وجود دارد ولی کم است، غالباً یک فعل و انفعالی روحی و درونی و روانشناختی رخ می‌دهد آدم اماده انجام گناه می‌شود.

این فعل و انفعال چندتاست یکی از آن‌ها کوچک شمردن گناه است. این در بعضی از تحقیقات روانشناختی امروز هم به آن توجه شده است، قبل از آن در روایات دنیایی از حقایق و معارف را شاهدیم وقتی که می‌خواهد سمت یک خطا برود اولین کاری که ذهن بشر سمت آن می‌رود این است که معادلاتی در ذهن خود ترتیب می‌دهد که این مهم نیست، این یک بار است حالا انجام می‌دهیم و بعد توبه می‌کنیم بعد جبران می‌کنیم، کسی نمی‌فهمد، خدا بزرگ است این فعل وانفعالی که درون انسان انجام می‌شود ساز و کاری است که روان آدم انجام می‌دهد برای اینکه راحت‌تر گناه را انجام بدهد علت آن هم این است که گناه و آلودگی یک عذاب وجدان دارد، برای اینکه عذاب وجدان را کم کند به سمت کوچک سازی، حقیرشماری، ساده انگاری، چه در صغائر و چه در کبائر، یک جوری با توجیهات خود را راحت می‌کند

بنابراین کوچک شمردن یک فعل و انفعال فریب دهنده روانی است که مقدمه ارتکاب گناه است و هر چه آدم را پیش ببرد در آلودگی‌ها غرق می‌کند. و لذا به دلیل ریشه‌ای بودن این فعل و انفعال روانشناختی این قدر روایات انگشت گذاشته‌اند که هوشیار باشید؛ اشد الذنوب، اعظم الذنوب، مومن وقتی که به گناه نگاه می‌کند مثل یک صخره بزرگی می‌بیند که روی او می‌افتد، در حالی که غیر مومن آن را مثل مگسی می‌بیند که از جلو صورت او رد می‌شود

اهمیت این به خاطر این است که روان آدمی می‌خواهد خود را راحت کند تا گناه را انجام بدهد. همه اگر دقت کنیم این را تجربه کرده ایم، وقتی می‌خواهیم خطایی بکنیم، کسی می‌خواهد در یک اداره، خیابان، جامعه و محیط وارد یک آلودگی بشود حتماً پیش خودش یک توجیهاتی می‌کند که یک محور مهم آن‌ها و آن توجیهات کوچک‌سازی و کوچک شماری است.

در کنار این، کار شیطان هم این است، همین امروز روایتی می‌دیدم که طبق این نقل خیلی روایت جالبی است که یکی از حضرات معصومین علیهم السلام که فکر می‌کنم حضرت امام کاظم سلام الله علیه باشد که از حضرت مسیح نقل می‌کند که؛ ﴿**إِنَّ صِغَارَ الْخَطَایَا وَ مُحَقَّرَاتِهَا لَمِنْ مَکَایِدِ إِبْلِیس**[[1]](#footnote-1)﴾ این که انسان سراغ گناهان کوچک می‌رود این از مکاید ابلیس است.

قبل از آن مطالبی دارد که طولانی است و نمی‌گویم و تا اینکه می‌گوید ﴿ **مِنْ مَکَایِدِ إِبْلِیسَ یُحَقِّرُهَا لَکُم**﴾ از کیدها و فریب‌های شیطان این است که گناهان را کوچک می‌کند، ﴿**وَ یُصَغِّرُهَا فِی أَعْیُنِکُمْ فَتَجْتَمِعُ وَ تَکْثُرُ فَتُحِیطُ بِکُم**[[2]](#footnote-2)﴾ می‌گوید کار شیطان این است که در فعل و انفعال درون شما تصرف می‌کند،

اگر صد آیه در قرآن باشد که رفتار شیطان را با روح و روان ما تشریح می‌کند، آن هم دنیایی است یک منظومه‌ای از آیات است که مراحل تصرف شیطان را در آدم تشریح می‌کند. می‌گوید شیطان از کجا شروع می‌کند و گام به گام جلو می‌آید از وسوسه‌های ساده شروع می‌شود و به جایی می‌رسد که ولی انسان می‌شود، ﴿**اسْتَحْوَذَ عَلَیْهِم**[[3]](#footnote-3)﴾ می‌شود استحواد این است که کسی سوار مرکبی بشود و لجام را در دست بگیرد و کاملا بر آن مسلط باشد می‌گوید شیطان از این نقطه خیلی ساده شروع می‌کند گام به گام جلو می‌آید و سوار انسان می‌شود و فرمان انسان دست اوست، این مراحلی از تصرف شیطان است که در قرآن خیلی زیبا تصویر شده است.

حدود بیست واژه کلیدی اینجاست که تصرفات شیطان را در روان انسان تشریح می‌کند از نقطه آغاز تا نقطه فرجام و احاطه کامل شیطان تصویر شده است در آیات قرآن.

یکی از تصرفات شیطان همین تحقیر و کوچک کردن گناه در چشم انسان است بنابراین هم در درون آدم این زمینه هست که کوچک بکند برای اینکه عذاب وجدان را کم بکند و خیال خودش را راحت بکند و درون گناه می‌افتد و وادی بی‌پایانی جلو می‌رود و از طرفی هم عامل بیرونی مکاید شیطان تحقیر ذنوب است. باید به خدا پناه برد، گاهی گناهان بزرگ را شیطان کوچک می‌کند همین قصه عمر سعد که حرف شوخی نیست، یک جوری کوچک کرد در نظر او، در درون او یک اهم و مهمی درست کرد و با فریبهای پیچیده، ادمی که مسلمان بود، بعضی آن سوابق را داشتند ولی جلوی ولی خدا و حجت خدا ایستادند، با این مقدمات.

بنابراین سروران ارجمند همه باید به هوش باشیم که کوچک شمردن یک دام نفس اماره و یک تدبیر پیچیده شیطانی است که راه را برای آلودگی‌ها فراهم می‌کند.

# توجیهات کوچک شمردن گناه

چرا کوچک می‌شماریم. توجیهاتی را می‌توان ذکر کرد که گناه را در ذهن کوچک شمرد.

۱- این است که ابعاد گناه را توجه نکند و نداند که گناه یک حقیقت در این عالم است و این گناه روح انسان را می‌سازد و این گناه شاکله شخصیت را سامان می‌دهد و با انسان تا پایان و ابدیت همراهی می‌کند، این را نداند.

۲- اینکه عظمت و حریم والای ربوبی را کم بشمارد و غفلت بکند.

امروز چون میلاد امام حسن مجتبی علیه السلام است در باب همین عظمت درگاه خدا و آن احوالی که بزرگان ما در پیشگاه خداوند داشتند یک حدیثی را بگویم این حدیث در امالی صدوق رضوان الله تعالی علیه هست که با سندی نقل کردند از امام سجاد علیه السلام در این حدیث نسبتاً طولانی امام سجاد علیه السلام که اعبد العابدین بود عبادتهای امام سجاد مورد اعتراف عامه و خاصه هست آن حالات امام سجاد، حالات فوق العاده‌ای است که همه به آن اعتراف دارند حالا امام سجاد به این نقل تاریخی راجع به امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرماید: ﴿**أَنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ ع کَانَ أَعْبَدَ النَّاسِ فِی زَمَانِهِ وَ أَزْهَدَهُمْ وَ أَفْضَلَهُمْ وَ کَانَ إِذَا حَجَّ حَجَّ مَاشِیاً وَ رُبَّمَا مَشَی حَافِیاً**[[4]](#footnote-4)﴾

حج‌های امام مجتبی با پای پیاده بود و گاهی بدون کفش و با پای عریان راه می‌رفت، او می‌فهمید رهسپار کوی خدا شدن یعنی چه؟ ﴿ **وَ کَانَ إِذَا ذَکَرَ الْمَوْتَ بَکَی وَ إِذَا ذَکَرَ الْقَبْرَ بَکَی وَ إِذَا ذَکَرَ الْبَعْثَ وَ النُّشُورَ بَکَی**﴾ هر یک از این مواقف دشوار قیامت را که یاد می‌کرد اشک از چشمان او جاری می‌شد، ﴿**وَ إِذَا ذَکَرَ الْمَمَرَّ عَلَی الصِّرَاطِ بَکَی وَ إِذَا ذَکَرَ الْعَرْضَ عَلَی اللَّهِ تَعَالَی ذِکْرُهُ شَهَقَ شَهْقَةً یُغْشَی عَلَیْهِ مِنْهَا**﴾ وقتی عرضه بر خدا بعد از ن مواقف یاد می‌کرد اشک می‌ریخت وقتی یاد حضور در پیشگاه خدا می‌کرد حالش دگرگون می‌شد و بی‌هوش می‌شد. ﴿**وَ کَانَ إِذَا قَامَ فِی صَلَاتِهِ تَرْتَعِدُ فَرَائِصُهُ بَیْنَ یَدَیْ رَبِّهِ**﴾ وقتی که به نماز می‌ایستاد، بند بند وجودش می‌لرزید، کسانی مثل من کجا و این نمازهای عارفانه و مشتاقانه کجا؟

در عصر ما هم دیدیم نمازهای باحالی که بزرگان داشته اند، الگوی ما اینها بودند، یکی آمد به شکل تعجب به امام سجاد علیه السلام عرض کرد این حال شما چیست که وقتی اماده تکبیر می‌شوید این قدر از خود بیخود می‌شوید، به خود می‌لرزید؟ جواب امام سجاد علیه السلام این بود که تعجب از توست، ﴿**ویلٌ لک، أ تدری بین یدی من اقوم**﴾ می‌دانی در برابر چه کسی می‌ایستیم؟ چون آن را نمی‌دانیم گناه را کوچک می‌شماریم، چون آن را نمی‌دانیم نماز را با سادگی تلقی می‌کنیم و از آن عبور می‌کنیم ﴿**وَ کَانَ إِذَا ذَکَرَ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ اضْطَرَبَ اضْطِرَابَ السَّلِیمِ**﴾ وقتی که می‌رفت جلو، یاد بهشت و جهنم مثل مارگزیده به خود می‌پیچید، این سیر احوال امام مجتبی در یاد مواقف قیامت تا عرضه بر خدا و تا بهشت و جهنم است.

عظمت خدا را که در نظر بگیریم کوچکترین گناه هم بزرگترین آلودگی است. این دو غفلت اساس کار است و عوامل دیگری هم هست که خواهم گفت.

امام مجتبی سلام الله علیه البته مظلومیتهای مضاعفی هم داشت یکی این است که این احوال و زندگی او را نمی‌دانیم و یکی هم فشار عصر خودشان هست، و یک مظلومیت امام مجتبی علیه السلام این تحریفهایی است که از امام مجتبی علیه السلام می‌شود و گاهی از ادمهایی که مسئولیتی دارند مذاکره امام مجتبی یک تاکتیک جنگی بود آن هم از سر اضطرار، آن وقت روح مذاکره را تغییر بدهند و به عنوان یک سازش و کوتاه امدن از سر انفعال،

این مظلومیت‌های مضاعف امام مجتبی علیه السلام است ما هم شناختمان نسبت به امام مجتبی علیه السلام در ابعاد فردی و شخصی و سلوک و هم در ابعاد اجتماعی کم است و هم این تحریف‌هایی که درباره امام مجتبی علیه السلام است جای داد و فریادهایی فراتر از عاشورا دارد، راجع به تحریف‌های عاشورا خیلی سخن گفته شده است باید در تحریف‌های امام مجتبی از جمله آنچه راجع به مذاکرات ایشان گفته می‌شود باید داد و فریاد کرد، اگر مردم در صحنه باشند آیا کسی می‌تواند از سر اضطرار و انفعال برود و بندها را آب بدهد، این درس امام مجتبی نیست، درس امام مجتبی درس مقاومت تا لحظه آخر است این آن درس بزرگی است که فرا گرفته نمی‌شود.

خدایا تو را به اولیای بزرگت سوگند می‌دهیم که ما را در مسیر تهذیب نفس، اصلاح اخلاق، اصلاح جامعه توفیق روز افزون عنایت بفرما…

1. - تحف العقول، ص ۵۰۸ [↑](#footnote-ref-1)
2. - تحف العقول، ص ۳۹۲ [↑](#footnote-ref-2)
3. - سوره مجادله، آیه ۱۹ [↑](#footnote-ref-3)
4. - أمالی صدوق، ص ۱۷۸ [↑](#footnote-ref-4)